

ترجمهٔ پیمان هاشمی نسب

کتاب‌هایی که دگرگون‌ام کرد

قدیم‌ها دوستی داشتیم که شیفتهٔ ادبیات و خواندن و نوشتن بود. او گاه از کتابی که در دست مطالعه داشت با اشتیاق فراوان حرف می‌زد. سخنانش پرحرارت، جوشان و غزل‌وار یا موجز و منتقدانه بود. اما غالباً ارتباط منطقی خاصی بین توصیف‌های او وجود نداشت. در خلال حرف‌هایش گازیمارکز، رابرت پن یا آن بی‌بی رامی شنیدیم و همیشه هم حرف‌هایش با این عبارت به پایان می‌رسید که این کتاب زندگی‌ام را دگرگون کرد و این جملاتش را هم با لحنی آرام و مطمئن اندام می‌کرد. آن موقع‌ها ما جوان بودیم و در شور و جذب و حرف‌های دوست‌مان شریک می‌شدیم. اما اکنون تنها کتاب‌هایی که زندگی مرا دگرگون می‌کنند، نه این‌که ضرورتاً بهتر کنند و نه به آن‌گونه که دوست قدیمی‌ام منظور بود - آثار خود هستند. آن‌ها همان‌گونه که نقل مکان به خانه‌ی جدید زندگی‌مان را دستخوش تغییر می‌کند، زندگی مرا نیز تحت تأثیر خویش قرار می‌دهند. اما در نظر من یک کتاب خوب کتابی است که اگر چه نمی‌تواند زندگی‌ام را دگرگون کند، لاف‌ل‌لاقل قادر باشد برای یک روز یا یک هفته نوع نگرش‌ام را نسبت به جهان هستی تغییر دهد.

عناوین مورد علاقهٔ من تنها به یک کتاب ختم نمی‌شود. اگر این چنین بود، گمان نمی‌کنم که می‌توانستم به نوشتن ادامه دهم زیرا وقتی روی رمانی کار می‌کنم، مهم‌ترین کاری که از صمیم قلب سعی در انجامش دارم نوشتن بهترین کتاب‌ام است. چرا که انتظار دارم هر رمان من بهترین کتابی باشد که تا آن زمان نگاشته شده است. درست همانند هر جنگی که همیشه تا کریسمس پایان می‌یابد؟

مشق سال‌های ویا - گاسپار مارکز

داستان‌های جان چوپر

عصر مصومیت - ادیت وارنون

لولیتا - ولادیمیر ناکاف

کودکان روشنی‌سرایان استون

کسی بزرگ با اسکان فیتز هراد

آلاری که دگرگون‌ام کردند

در هر صورت، در این‌جا به مجموعه کتاب‌هایی اشاره می‌کنم که فکر می‌کنم با خواندنشان بتوانم اندام‌کم که زندگی‌ام دگرگون شد با نوع تفکر مرا به زندگی تغییر دادند. و حتی برخی از آن‌ها مرا شدیداً تحت تأثیر قرار دادند و غرق خویش ساختند. *The Age of & Revolutionary Innocence* جزو این دسته از آثار هستند. این دو کتاب فیرادبیات داستانی برای همیشه نوع نگاه مرا به همه‌چیز تغییر دادند.

می‌خواهم به دو شاعر مورد علاقه‌ام هم اشاره کنم، اگرچه پراکنده و نامنظم شعر می‌خوانم. این روزها وزن و قافیه را راجح می‌دانم و به تازگی از گشت‌وگذار می‌گذرم که در اشعار تنسیب و کینیاوتنگ داشتند لذت بردم. و بالاخره بنابه درخواست دیگران چندتایی از آثار مورد علاقه‌ام را ذکر می‌کنم که اگر آن‌ها زندگی مرا دگرگون نسازند، یقیناً اشکال از آن‌ها نمی‌بود.

من هزار نوی بورخس *Jorge Labyrinthe* *El Baroque* *El Baroque* را برای اولین بار در سال دوم دانشگاه خریدم. داشتند به‌تازگی از آن شیفته‌ی ناشی از خام‌دستی به داستان‌های علمی تخیلی و فانتزی بیرون می‌آمدم که بورخس با داستان‌هایی

چون

On the Black Moon of Sta' Pitaqra

راه‌گشای من به نسوی دل‌مشغولی و توجه به سبک‌ها و مضامین ادبی و برقراری جراتی شد که دست‌آخیز به تأمل در آثار فیتزجرالد و ژانزین انجامید.

لحن خشک، صفات موحش و وسواس بیش از اندازه و هریب او که با تکرار مداوم چندین توصیف و استعاره همراه است، کاملاً تأثیرگذار بود. عنوان اولین داستانی که تحت تأثیر بورخس در حدود سال ۱۹۸۱ *My Mother & the Battle for the Mastery of the Earth*

مرد جوان شکندیش و بی‌انتقاد و مادرش که رهبر یک قبیلهٔ شبه‌تمدنی است؛ داستان لحنی خشک و بی‌روح و توصیف‌هایی موحش داشت. من در این داستان به طرز بی‌شماره‌ام و غیرمتفکرانه به جزئیات اصول این فرقه شبه‌مذهبی پرداختم و آزادانه و از پیش خود، مکتب‌ها، مفاهیم و عناوین نوشته‌های مقدس را می‌ساختم.

اشعار بورخس نیز که به مراتب از ادبیات داستانی‌اش تخیلی‌تر و شخصی‌تر است، ارزش توجه و تعمق و بار دارد. و فهم آن به زبان اصلی یا معلومات سطحی از زبان اسپانیایی و داشتن یک فرهنگ لغت خوب و داشتن متن انگلیسی آن در پیش‌رو، کار چندان ممکن نیست.

● عشق سال‌های ویا Love in the Time of

Cholera از گابریل گازسیمارکز Gabriel

Garcia Marquez نادوست صفحه اول کتاب را که می‌خواندم فکر می‌کردم که دارم بهترین کتابی

را که تاکنون نگاشته شده می‌خوانم. اگرچه پنجده صفحهٔ انتهایی آن زیبایی بی‌نظیری دارد و مناسب‌ترین خاتمه برای یک رمان است. اما در اواسط کتاب رفتارته از احساس‌ام به آن گالسته شد. اما درصداً انتهایی مارکز شایسته‌ترین وسیلهٔ برانگیختن من به نوشتن بود. این کتاب، بیش از

هر چیز، نیاز دوباره نوشتن هر آن‌چه را که

می‌خواندم برام غیر ضروری می‌کند.

می‌توانش من از گازسیمارکز به دلیل رئالیسم

جادویی او که به دست یک سوری بیرون دون

بامعاش همچون ایزابل آئنده Isabel Allende

بندیل به تکنیک احساسی، میندل،

خودمانمانه و عاری از لطف ابتکار شده. است به

خاطر سبک پرچلود، برجسته، مستحکم، سبب،

تخیلی و دقیق‌اش که همیشه خوانندهٔ انگلیسی

زبان تفسیر و انتقال، مشکک و صنف از آن به

همراه داشته هم نیست، بلکه ستایش من از مارکز

به دلیل توانایی او در به هم آمیختن شخصیت‌ها،

مکان‌ها و توصیفات عینی و طبیعی است. و نیز

قدرت وی در به‌وجود آوردن تصویر، از موجود

زنده‌ی پذیرفتنی و باورکردنی با تاریخی غنی

است.

The Great Gatsby, F. Scott Fitzgerald ●
این رمان، همچون اثر **Goodbye Columbus** قلبی رات دارای ساختاری کاملاً متعبر است و اکنون به مناسبت فضای اولین رمان خودم و این

اثر می‌بوم. من به رمان **The Great Gatsby** دیرتر از دیگر رمان‌ها دسترسی پیدا کردم. اولین بار این کتاب را یک سال بعد از فارغ‌التحصیل شدنم از دانشگاه خواندم. در این رمان لحن و احساسی از دوران شگفت‌سپری شده گذشته به شدت طنین انداز است.

حال با یادآوری این کتاب و بازخوانی چندباره آن پس از این همه وقت، نعتها متوجه عالی‌ترین ویژگی‌های موجود در سبک شایب، معنی صریح و با شخصیت‌های بی‌نهایت و ترحمانگیز آن می‌شوم، بلکه درمی‌یابم که من نیز در آن رمان به

شدت طنین انداز است. فینزجرالد لصال کرد توانستم به آن بپردازم در مورد اثر فینزجرالد می‌توان گفت که داستان ظاهراً از ماجرای آشفته تاریخ آمریکا نشأت می‌گیرد اما وی در این رمان به موضوعاتی همچون استعمار غرب، جنگ جهانی اول، ورود اولین مهاجران اروپایی به سواحل این سرزمین به عنوان عناصر پراهمیت اما غیراجتماعی پرداخته است

دیگر آثار تأثیرگذار:

1. The Portrait of a Lady, Henry James
2. In Search of Last Time, Marcel Proust
3. Sentimental Education, Gustave Flaubert

در زمینهٔ غیرادبیات داستانی:

4. White Goddess, Robert Graves
5. City of Quartz, Mike Davis
6. Once More Around the Park, Roger Angell
7. Among the Cities, Jan Morris
8. A Pattern Language, Christopher Alexander

در زمینهٔ شعر:

9. Complete Poems, John Keats
10. Collected Poems, Frank O'Hara

مطالعات اخیر:

11. Cryptonomicon, Neal Stephenson
12. Great Short Novels of Henry James
13. Great Tales of Terror & The Supernatural
14. Ghoul World, Daniel Clowes
15. Nursery crimes, Ayelet Waldman

خدمت به خطاهای عظیم‌تر و برجسته‌تر، حتی فراتر از همه‌جانبه‌تر، مسیریهای نادریست را برمی‌گزینند.

Lolita, Pale Fire, Vladimir Nabokov ●

به هنگام کودکی لذت دوباره خواندن رمان مورد علاقه‌ام لذتی همانند خواندن یک رمان جدید را دلدتم. من رمان **The Phantom/Telbooth** را حداقل یازده مرتبه بخواندم. طی سالیان بعد

فهرست کتاب‌های را که فرصت کردم دوباره به سرانجامش بروم به تعداد محدودی کاهش یافت که این‌ها بودند: **Great The White Goddess**, **Sentimental Education** و **Gatsby**

سال گذشته من تنها دونا از بهترین رمان‌های ناکوف یعنی **Lolita** (دومرتبه) و **Pale Fire** را (سه مرتبه) خواندم. هزار در خلال خواندن این رمان‌ها دچار این توهم می‌شدم که بالاخره به طور کامل این کتاب‌ها را فهمیدم، اما در پایان متوجه می‌شدم که در یک یا چند مورد دچار اشتباه بودم. در واقع باور نمی‌کنم که کسی بدون درک درک‌اندک لولیتا قادر به درک کامل این رمان باشد.

دکترالعارف نویسان ادبی مطالب زیادی دربارهٔ ناکوف نگاشته‌اند ولی برای من لذت خواندن بیش از اندازهٔ ناکوف به دلیل لذت و لذت‌های تحسین‌برانگیز و گسترده‌هاست در زمینهٔ علوم ادبیات، هنر، مطالعات و... بیشتر فرهنگ نویسی وی است. به عقیدهٔ من نویسندگان باید دائماً با فرهنگ لذت سرورگار داشته باشند و برای ترک و طرح‌ریزی چهارچوب روش و نظامی توانمند و منسجم توجه خاصی به

ریشه‌شناسی لغات داشته باشند و خواندن آثار ناکوف باگویی سوزآور و منطقی است. داشت ذهنی وی از مقصد دوماش سلطوره آمریکا و زبان انگلیسی است. چنانچه درداشت ذهنی تمام مهاجران نیست اما ذهنیت او نسبت به ارضیای این سرزمین بسیار عمیق‌تر و نسبت به تخریب پیوندی ریشه‌شناسی، احتمال شایسته‌ها، لغات هب‌ا و تأثیرات لغات بیگانه به مراتب هوشیارانه‌تر است.

Children of Light, Robert Stone ●

هرگز به نظر نمی‌رسد که این اثر به لحاظ نگاه موشکافانه و تکنیک‌های نویسندگی و نثر در ردهٔ بهترین آثار انگلیسی قرار گیرد. در مورد این اثر شاید بتوان به ساختار برجستهٔ فصل اول آن اشاره کرد، و این که شب‌یک این رمان با گفت‌وگویی فوق‌العاده به اتمام می‌رسد.

● داستان‌های جان چیور * **The Stories of John Cheever** ●
جان چیور **John Cheever** هرچند این دوره گذشته است که مانند برههٔ گستر در خمرهٔ دوشاپ، در نثر جان چیور غرق می‌شدم، ولی با این حال هنوز هم باید مراقب باشم تا مایان خواندن آثار او و شروع نگارش خودم یک ساعتی صبر کنم. درست مثل زمانی که منم می‌گفت با شکم پر شنا نکنم. حال درمی‌یابم که یکی از

داستان‌های کوتاه من به نام **The Halloween Party** تقلید و سوسپنداری پداسی از داستان اوزان جان چیور است و نیز تغییر در روی داستان در قسمت انتهایی اثرم **More Than Human**. مستقیماً از **Gin** اثر **The Sorrows of Gin** گرفته است البته با این تفاوت که چیور از

ترفند و نیرویی به‌عنوان تأثیرگذارتر بهره گرفته است.

در حقیقت این تکنیک جان چیور در بهترین داستان‌هایش - مجموعه داستان‌های **The Brigadier and the Enormous Radio** است که اکنون به حکم می‌کند که نسبت به او ابزار وفاداری و احترام

نامیم داستان‌هایی همچون **The Sorrows of Gin, O Youth and Beauty, The Country Husband...** بهترین آن‌ها **Swimmer** است که به نظرم جزو پنج یا شش داستان کوتاه برتر آمریکایی که تاکنون نگاشته شده قرار می‌گیرد داستان‌های چیور به لحاظ ساختاری، بهره‌گیری از صحنه‌ها، شرح روند داستان، ایجاد و صنایع بدیع در حد کامل قرار دارند. پیرنگشان ناب و پرمعنی و گاه تکان‌دهنده است و خودآگاه خواننده تحت تأثیر بی‌بیش و ادراک برخی از شخصیت‌های داستان‌ها

دست‌خوش تغییر می‌گردد به گمان من **What Paradise It Seems** چیور به‌عنوان قالب سنتی داستان کوتاه ارزش الگو قرار دادن را دارد.

The Age of Innocence, Edith Warton ●

سرفه‌انظر از ریشهٔ دقیق، گزینش تحسین‌برانگیز واژگان، توانایی برانگیختن مداوم همدردی خواننده، قابلیت درک کمی و قریحهٔ استثنایی ادیب وارن در تشریح خانه‌ها و مساکن آن‌ها که در این اثر وجود دارد و بدون در نظر گرفتن تمام مواردی که این رمان را به کمال می‌رساند، من شیفتهٔ داستان آدم‌هایی هستم که در جهت